

کشف‌المحجوب هجویری

دکتر مصطفی ذاکری*

کشف‌المحجوب / علی بن عثمان هجویری؛ مقدمه، تصحیح
و تعلیقات دکتر محمود عابدی. - تهران: سروش، ۱۳۸۳.

چکیده:

کشف‌المحجوب تألیف ابوالحسن علی بن عثمان بن ابی‌علی جلابی هجویری، یکی از مهم‌ترین کتب صوفیه است، هم از جهت احتوا بر امتهات مسائل تصوف، هم از لحاظ معرفی بزرگان فرق صوفیه، هم از نظر سبک نوشتاری و کهنگی نثر، و هم از جهت نظریات بدیع مؤلف. کشف‌المحجوب، شامل سه بخش است: بخش نخست، مقدمه مؤلف در سبب علت تألیف کتاب. بخش دوم، در بردارنده اطلاعات کلی در باب تصوف و تراجم احوال صوفیان معروف تا زمان هجویری. بخش سوم، که در حقیقت، قسمت اصلی کتاب است و نام کشف‌المحجوب ظاهراً به مناسبت همین بخش بر کتاب نهاده شده، شامل یازده «کشف» است. هجویری در این یازده کشف، مسائل مختلف تصوف را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

کشف‌المحجوب نخستین بار در سال ۱۹۲۶ م به اهتمام ژوکوفسکی در لنینگراد انتشار یافت. چاپ قابل توجه دیگری هم به اهتمام دکتر محمد

*. پژوهشگر زبان و ادب فارسی و عربی و دانش زبان‌شناسی.

حسین تسبیحی در سال ۱۳۷۴ ش در اسلام آباد (مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان) صورت گرفت. چاپ منقح و مصحح این کتاب با استفاده از چند نسخه دیگر، با مقدمه دکتر محمود عابدی انتشار یافته است.

کلید واژه: کشف المحجوب، هجویری، تصوف، صوفیان، عرفا، خرقة.

۱. نام کتاب

در سده پنجم هجری دو کتاب مهم به زبان فارسی به نام کشف المحجوب نوشته شده است: یکی تألیف ابویعقوب اسحق بن احمد سگزی که از آثار مهم اسماعیلیه است، در هفت مقاله شامل مباحث مربوط به توحید، عقل، نفس، طبیعت، موجودات روی زمین، نبوت و سرانجام بحث معاد.

دوم کتاب مورد بحث ما که تألیف ابوالحسن علی بن عثمان بن ابی علی جلابی هجویری است، چنانکه در ابتدای کتاب ذکر شده است. ابوالحسن کنیه هجویری است و رسم بر آن بوده است که کنیه و لقب را غالباً برحسب رسم تعیین می‌کردند، چنانکه مثلاً کسی که نامش علی بود معمولاً کنیه ابوالحسن را برای او انتخاب می‌کردند، در الاعلام زرکلی از هر صد نفر که نامشان علی بوده است و کنیه‌ای داشته‌اند، کنیه حدود ۸۰ نفر از آنها ابوالحسن است و البته گاهی، چنانکه دکتر عابدی در تعلیقات خود نوشته‌اند، کنیه را از نام فرزند هم می‌گرفتند، خواه از فرزند موجود یا فرزندی که امیدوار بودند داشته باشند.

این کتاب یکی از مهم‌ترین کتب صوفیه است که هم از جهت محتوا بر امهات مسائل تصوف و هم از جهت معرفی بزرگان این فرقه و هم از لحاظ سبک نوشته و کهنگی اسلوب فارسی و هم از جهت نظریات بدیع مؤلف حائز اهمیت بسیار است و تأثیری که این کتاب در نوشته‌های صوفیان بعد داشته است نیز بسیار قابل ملاحظه بوده است، چنانکه اشاره خواهد شد.

۲. مؤلف کتاب

از زندگی مؤلف کتاب یعنی شیخ ابوالحسن علی بن جلابی هجویری اطلاع چندانی در دست نیست و تقریباً تمام اطلاعات ما منحصر است به آنچه از خود این کتاب به دست می‌آید. در کتب معاصران و نویسندگان بعد از او نیز تقریباً هیچ مطلب قابل ذکری

از زندگی او به دست نمی‌آید. نه تاریخ تولد او معلوم است و نه تاریخ وفات او و نه چگونگی زندگی او. نیکلسون در مقدمه کتاب تذکره‌الاولیاء فوت هجویری را در سال ۴۶۵ هجری ذکر کرده است^۲، اما دکتر عابدی در بررسی‌های خود بدین نتیجه رسیده‌اند که تألیف کتاب کشف‌المحجوب قبل از ۴۶۵ ق آغاز شده و بعد از ۴۶۹ ق به پایان رسیده است و در این صورت تاریخ فوت او باید بعد از آن یعنی حداقل در ۴۷۰ ق بوده باشد.^۳ مذهب هجویری حنفی است و او در رعایت شریعت و اعمال دینی طبق قواعد این مذهب بسیار پامی فشارد و اصرار می‌کند و در شرح مسائل تصوف همه جا مراعات شریعت را لازمه و مقدمه آن می‌شمارد و حتی در مواردی مثل سماع و رقص و خرقة دریدن که از آداب رایج صوفیان بوده است، بین مراعات شرع و رسم صوفیان به سختی توفیق برقرار می‌کند و ناچار می‌شود که حرمت آنها را طبق موازین شرع بپذیرد، اما برای سالکانی که به مدارجی از عرفان دست یافته و در حال بیخودی و وجد دست بدین کارها می‌زنند ارج و قربی قائل شود و لذا مباحث این باب طول و تفصیل پیدا کرده است.^۴

۳. مباحث کتاب

کشف‌المحجوب درحقیقت شامل سه قسمت است:

اول مقدمه: درباره سبب نوشتن کتاب است که به گفته دکتر پورجوادی، یکی از صادقانه‌ترین دیباچه‌هاست و در آن مطالبی جالب درباره وضع کتاب در جامعه و سرقت ادبی و حقوق مؤلف مطرح شده است مؤلف در آن با خوانندگان کتاب صمیمانه مطالبی را مطرح کرده است که گرچه به موضوع تصوف ارتباط ندارد، اما پرده از روی مشکلات نویسندگان آن زمان برداشته است. او ابتدا در چند سطر مختصر مطالبی کلی درباره این کتاب ذکر می‌کند چون: نام خود، استخاره و طلب خیر کردن از خدا در تألیف کتاب و اجابت مسؤول سؤال کننده‌ای که از او خواسته است کتابی در این باره بنویسد و امثال آنها. سپس جزء به جزء این مطالب را به تفصیل تمام شرح داده است که چنین شیوه‌ای در مقدمه یا دیباچه هیچ کتابی دیده نشده است. دکتر پورجوادی این مقدمه را در مقاله‌ای در نشر دانش^۵ به تفصیل تجزیه و تحلیل کرده است.

قسمت دوم: شامل اطلاعات کلی در باب تصوف و شرح حال صوفیان معروف است که تا زمان هجویری نام بردار بوده‌اند. در ابتدای این قسمت شش باب درباره مسائل

مقدماتی تصوف چون معنای علم، فقر و تصوف و آداب خرقه پوشیدن و فرق میان فقر و صوفیگری (صفوت) و بحثی درباره ملامتی‌گری آورده است و سپس به شرح حال بزرگان تصوّف از ابتدا تا زمان خود در هفت باب پرداخته است: باب اول آن به پیشوایان اولیه تصوف یعنی چهار خلیفه اول اختصاص دارد و در باب بعدی به اهل بیت پرداخته است که شامل امام حسن مجتبی تا حضرت امام جعفر صادق (ع) می‌گردد و سپس بر اهل صفّه و بعد به چهار نفر از صوفیان تابعین مثل اویس قرنی و حسن بصری پرداخته است و در باب بعد ۶۴ نفر از اتباع تابعین و آنگاه ده نفر از متأخران را نام می‌برد و از آنان مطالبی عرفانی نقل می‌کند و تعدادی از معاصرین خود را نیز در باب بعدی ذکر می‌کند و سرانجام در باب آخر، فرقه‌های مختلف صوفیه را نام می‌برد، شامل نام ۱۲ فرقه، که بسیاری از آنها اکنون وجود ندارند و در عوض فرقه‌های دیگری امروزه بجای آنها موجود است. به نظر نیکلسون، از این ۱۲ فرقه فقط فرقه ملامتیه در آثار قبل از هجویری معرفی شده است و هجویری این فرقه را به نام قصّاریّه نامیده است. تا اینجا کل این قسمت در ۱۴ باب به پایان می‌رسد.

قسمت سوم: که در حقیقت قسمت اصلی کتاب است و نام کشف‌المحجوب ظاهراً به مناسبت همین قسمت بر این کتاب نهاده شده است شامل ۱۱ کشف است یا بهتر بگوییم یازده کشف حجاب یعنی برطرف کردن اشکالات و حجاب‌هایی که در پیش چشم صوفیان ساده و مردم عادی وجود دارد و باید حقیقت آن را آشکار کرد تا صوفی با بینش درست‌تری بدانها بنگرد. نخستین کشف برطرف کردن حجاب در معرفت خداست، یعنی خداشناسی واقعی، چنانکه یک عارف باید داشته باشد و رفع هرگونه سوء تفاهماتی در این زمینه، لذا در این مبحث مانند یک متکلم یا حکیم سخن می‌گوید و نظریات مختلف را محک می‌زند و دلیل بطلان هر کدام را شرح می‌دهد و سپس عقاید مشایخ صوفیان را در این زمینه نقل می‌کند که چگونه به معرفت خدا رسیده‌اند. هجویری در همه مباحث این کشف‌های یازده‌گانه، همین روش را در پیش می‌گیرد و لذا با خواندن این کتاب می‌توان به افکار عارفان و صوفیان چهار سده اول هجری در تمام این زمینه‌ها واقف شد. کشف دوم در توحید و سوم در ایمان و چهارم در طهارت و توبه و پنجم در نماز و محبت به خدا و محبت خدا به خلق و ششم در زکات و جود و سخاست و هفتم در روزه و هشتم در حجّ و نهم در آداب صحبت و معاشرت با یکدیگر در سفر و حضر و آداب سخن گفتن و ازدواج و غیره، و دهم در شرح اصطلاحات

صوفیان است، از قبیل حال و وقت و مقام و تمکین و محاصره و قبض و بسط و علم و معرفت و شریعت و حقیقت و امثال آنها. در اینجا از طریقت، سخنی به میان نیامده است و معلوم است که هنوز این اصطلاح متداول نشده بوده است و سرانجام باب آخر یعنی باب یازدهم دربارهٔ سماع و رقص و وجد و نظر در روی سادگان و خرقه دریدن و امثال آنهاست که ظاهراً این دو کشف آخر از همه مهمتر است که بعد از هجویری باب این بحث‌ها هر روز بیشتر گشاده شده است.

هجویری سنی متعصبی است، اشعری مذهب و معتقد به رؤیت خدا^۶ و گویا شیعیان را با اسماعیلیان و فاطمیان مصری یکی گرفته است^۷ و آنها را مشیعه (یعنی شیعی نما) خوانده است و یکجا هم که نام شیعه را برده است^۸ آنها را با قرمطیان و باطنیان قرین کرده است و گاهی به ابوطالب سخت تاخته است.^۹ او حلاج و پیروانش را مردود می‌داند.^{۱۰} و «روافضه» را هم به هواداران او ملحق کرده است^{۱۱} از جهت الحاد.

هجویری از کتب صوفیان پیش از خود مانند اللُّمَع تألیف ابونصر سراج طوسی (متوفی ۳۷۸ق) و طبقات الصوفیة تألیف ابو عبدالرحمن سلمی (متوفی ۴۱۲ق) و رساله قشیریّه تألیف ابوالقاسم قشیری استفاده کرده است. کتاب کشف‌المحجوب مورد استفادهٔ غالب متصوفان قرار گرفته است چنانکه در تذکرة الأولیاء عطار و نفحات الأنس جامی به خصوص از قسمت شرح حال‌های صوفیان که در کشف‌المحجوب آمده، بسیار استفاده شده است.

در فارسی، قبل از کشف‌المحجوب کتاب شرح تعرّف تألیف امام ابو ابراهیم اسماعیل بن محمد مستملی بخاری در علم تصوّف نوشته شده است که در چهار مجلد تنظیم شده است و نام اصلی آن نور‌المریدین و فضیحة المدعین است و در حقیقت شرحی است بر کتاب التّصرف لمذهب أهل التّصوّف کلابادی، اما گویا هجویری این کتاب را که بسیار با کشف‌المحجوب وجه اشتراک دارد، ندیده بوده است. در هر حال باید گفت که کشف‌المحجوب دومین کتاب فارسی موجود در زمینهٔ تصوف است که اینک در دست است. در کشف‌المحجوب داستان‌ها و افسانه‌های خرافی بسیار از مشایخ صوفیه نقل شده است که باورکردن آنها مشکل است، گرچه همان‌ها و مشابهات آنها در تذکرة الاولیاء و در نفحات الانس، هم تکرار شده است. مثل آنکه وقتی یکی از مشایخ صوفیه قرآن می‌خواند چهارپری از هیبت آن مُردند^{۱۲} یا زُرارة بن اُوفی در هنگام نماز آیتی خواند و نعره‌ای زد و مُرد^{۱۳} و زن دیگری در کوفه با شنیدن آیتی جان داد، یا

اینکه صد شتر با باری دوبرابر معمولی با آواز حُدی یک غلام راه طولانی را یکسره طی کردند و مردند^{۱۴}، یا از صوت خوش حضرت داود یک بار ۷۰۰ کنیزک عذراء مردند، و در باب سماع از این افسانه‌ها بسیار گفته است، اما به زیبایی که گویی براستی واقع شده است. یا ابراهیم خواص با شنیدن بی‌تی شعر، که صوفی خواند چنان به وجد آمد که شروع کرد به پای کوبیدن بر زمین و پاهایش در سنگ مثل موم فرو می‌رفت. مرحوم علامه قزوینی درباره این قبیل مطالب، در مقدمه‌ای که بر تذکرة الاولیاء عطار نوشته‌اند، تحت عنوان «امور مکذوبه» شرحی آورده است.^{۱۵}

۴. چاپ کتاب

کشف‌المحجوب از کتبی است که مورد توجه صوفیان و عرفا بوده و نسخه‌های خطی متعددی از آن در کتابخانه‌های جهان موجود است و از کتبی است که در سده نوزدهم میلادی در هند چاپ شده و سپس بارها در ایران و خارج چاپ شده است؛ از آن جمله چاپ ژوکوفسکی شهرتی به دست آورده بود و از بهترین چاپ‌های این کتاب محسوب می‌شد. چاپ قابل توجه دیگری هم به همت محمدحسین تسبیحی منتشر شده است. اما اینک چاپ جدید آن با تصحیح دکتر محمود عابدی در سلسله انتشارات سروش انتشار یافته است که ما را از هر چاپ دیگری بی‌نیاز می‌کند.

این چاپ از روی نسخه خطی موجود در کتابخانه سلطنتی وین که احتمالاً در سده هشتم نوشته شده است فراهم شده و با چند نسخه دیگر مقابله گردیده و به صورتی مضبوط و حروفی خوانا و روشن چاپ شده است. که اصل کتاب در ۶۱۰ صفحه است، ولی علاوه بر آن مقدمه دکتر عابدی در ۷۴ صفحه حاوی اطلاعات بسیار ذیقیمتی درباره کتاب و سوابق آن و مؤلف و ویژگی‌های سبکی آن و کیفیت تصحیح آن بر ارزش کتاب افزوده است. و در آخر هم تعلیقات و توضیحات دکتر عابدی به ترتیب صفحات کتاب تمام مشکلات متن را از نظر لغات و عبارات و توضیحات آموزنده، به درک مطالب کتاب کمک بسیار ارزنده‌ای کرده است و بدون آنها مطالعه این متن کهنه و مشکل سده پنجم هجری حتی برای اهل ادب هم آسان نبود. این تعلیقات خود بخش بزرگی از کتاب را اشغال کرده است، در ۳۲۰ صفحه با حروفی ریزتر از متن و می‌توان گفت که از نظر حجم شاید حداقل معادل دو سوم اصل کتاب باشد.

در آخر فهرست‌های متنوع گوناگونی بر مزیت کتاب افزوده است که آن را بیشتر از پیش قابل استفاده ساخته است.

دکتر عابدی قبلاً هم با همین شیوه دقیق و استادانه و درست با همین سبک، کتاب *نفحات الأنس* جامی را تصحیح و چاپ کرده بودند که نخست در ۱۳۷۰ به همت مؤسسه اطلاعات منتشر و بعد از آن هم مکرر تجدید چاپ شده است و ما اکنون خوشوقتیم که این دو کتاب بزرگ ادب فارسی که از مهمترین آثار تصوف ایرانی است، اکنون به وضع آبرومند و پرفایده‌ای به همت دکتر محمود عابدی منتشر شده است. تصحیح کشف‌المحجوب برای دکتر عابدی ده سال طول کشیده است و معلوم است که با این همه زحمت چه منفعت عظیمی به خوانندگان می‌رسد.

۵. برخی غلط‌های مطبعی

در مقدمه کتاب در حواشی به تعلیقات ارجاع داده شده است که این ارجاعات از صفحه ۱۳ مقدمه تا صفحه ۴۱ همه اشتباه چاپ شده است و نشان می‌دهد که دکتر عابدی بعد از نوشتن مقدمه تغییراتی در تعلیقات داده‌اند و لذا صفحات مورد ذکر در مقدمه همه غلط شده است به شرح زیر:

ص ۱۳ مقدمه: تعلیقات ۸۰۶ = ص ۷۷۹

ص ۱۴ مقدمه: تعلیقات ۸۱۶ و ۶۸۶ = ۷۸۷ و تعلیقات ۸۰۵ = ۷۷۸

ص ۳۴ مقدمه: تعلیقات ۶۲۲ = ۶۲۰ و تعلیقات ۶۲۳ = ۶۲۱

ص ۳۶ مقدمه: تعلیقات ۷۶۶ = ۷۴۷

ص ۳۹ مقدمه: تعلیقات ۷۵۲ = ۷۳۲

ص ۴۰ مقدمه: تعلیقات ۸۱۲ = ۷۸۴ و تعلیقات ۸۱۶ = ۷۸۷

ص ۴۱ مقدمه: تعلیقات ۸۰۸ = ۷۸۱

ص ۶۲ مقدمه: تعلیقات ۶۵۱ = ؟

اما در ص ۵۵ و ص ۶۰ شماره صفحات تعلیقات درست است.

غلط‌های چاپی دیگر بسیار اندک است؛ مثلاً در صفحه ۲۵۳ سقاه صوب رضوانه باید صوت رضوانه باشد و در ص ۲۹۰ «بَخَّ يَخَّ مَنْ مِثْلَكَ» شاید بهتر باشد به صورت «مِنْ مِثْلِكَ» خوانده شود. و در ص ۳۰۷ به جای «استقیموا و لن تَحْصُوا باید «و مِنْ تَحْصُوا» باشد. در مورد «تاب‌الله علیه» که در ص ۶۱۵ به معنای «خداوند او را توبه

دهد» ترجمه شده است، شاید بهتر باشد بگوییم: «خدا او را ببخشاید»؛ چنانکه در قرآن «تاب علیه» و «یتوب علیه» و مشتقات آنها مکرر آمده است و همه بدین معناست.

پی‌نوشت‌ها

۱. موضوع «کنیه» به این سبب ذکر شد که دکتر عابدی در تعلیقات خود (ص ۶۱۳) در کنیه «ابوالحسن» برای مجویری ابراز تردید کرده‌اند.
۲. ص ۵۸، چاپ اساطیر.
۳. نک: مقدمه کشف المحجوب، ص ۴۱.
۴. نک: متن کتاب، ص ۵۷۱ - ۶۱۰.
۵. س ۷، ش ۱. [تجدید چاپ شده در این شماره، ص ۱۲۳ - ۱۴۰]
۶. ص ۵۸۹.
۷. نک ص ۲۰۰، ۵۵۸ و ۵۹۰.
۸. یعنی در ص ۳۸۵.
۹. ص ۳۹۴.
۱۰. ص ۲۰۰.
۱۱. ص ۲۳۲.
۱۲. ص ۵۷۵.
۱۳. ص ۵۷۹.
۱۴. ص ۵۸۴.
۱۵. نک: تذکرة الاولیاء، چاپ اساطیر، ص ۶۳.
۱۶. نک: ابن اثیر، النهایة ابن اثیر، ج ۱، ص ۳۹۸. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



پرتال جامع علوم انسانی



ثروءشكاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی